



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۰۹

جاوید لودین

معین سیاسی اسبق وزارت امور خارجه

ضرورت اجماع نخبه گان سیاسی برای نجات افغانستان

افغانستان با توجه به چلج‌های پیش رو، از جمله انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، تسریع روند گفت وگوهای صلح با طالبان، تشدید بحران و از بین رفتن اجماع سیاسی، در مرحله حساسی قرار گرفته است. اوضاع نا بسامان کنونی، نگرانی‌های جدی را در زمینه توانایی ما برای مقابله با این چلنج‌ها و حتا آینده نظام دموکراتیک و دیگر دست‌آورد‌های یک و نیم دهه اخیر، به وجود آورده است.

کشور ما امروز با بحران تمام عیار سیاسی، اوضاع شکننده امنیتی و رکود اقتصادی مواجه است. به دلیل تضعیف نهاد های داخلی، تهدید های طالبان و حامیان منطقه ای شان به خصوص پاکستان افزایش یافته و بخش وسیعی از جغرافیای کشور از کنترل دولت خارج شده است. علی الرغم شعارها و اقدامات عوام فریبانه رهبری حکومت، وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم به طور باورنکردنی‌ای وخیم گردیده و شمار افراد زیر خط فقر به بالای ۵۵ درصد افزایش یافته و سطح درآمد هموطنان به طور چشم گیری کاهش یافته است. مهم تر از همه، اجماع و وفاق ملی که در هفده سال اخیر در میان قشر سیاسی کشور وجود داشت و اساس نظام پسا طالبانی را شکل می‌داد، در خطر اضمحلال و فروپاشی قرار گرفته است.

نخبه گان سیاسی افغانستان در یک و نیم دهه پسین، با وجود تفاوت‌های فکری و سیاسی، به حداقل یک آجدای ملی مشترک باورمند بودند و این اجماع سلامت نظام و آینده صلح آمیز و مبتنی بر اراده مردم را در کشور ضمانت می‌کرد؛ اما متأسفانه امروز قشر سیاسی به دلیل رفتارهای نا شایسته و درک نا درست سران حکومت وحدت ملی از رهبری و حکومت داری، از نظام و حاکمیت به دور شده‌اند. تشنت و پراکنده گی سیاسی و اجتماعی موجود پس از روی کار آمدن نظام پسا طالبانی بی سابقه است و بیم آن می رود که اگر تدابیری سنجیده و قدم‌هایی برداشته نشود، احتمالاً تا چند ماه دیگر افغانستان شاهد گسست سیاسی و اجتماعی جبران ناپذیر خواهد بود.

در چنین شرایطی، افغانستان در آستانه یک انتخابات دیگر قرار دارد. انتخابات پیش رو به همان اندازه که یک فرصت بزرگ برای تعیین سرنوشت و تقویت مردم سالاری جوان ما است، می‌تواند یک تهدید جدی برای تداوم و سلامت نظام نیز باشد. با توجه به تجربه دو دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری که هر دو با بحران و کشمکش رویه‌رو شد، به نظر می رسد انتخابات پیش روی نیز با خطر بحران و بن بست روبروست. این بار حتا بیش تر از گذشته پروسه انتخاباتی با تهدیدهای جدی از جمله برجسته شدن درزهای قومی، عدم کفایت نهادهای انتخاباتی، مداخله حکومت و در نهایت فضای سیاسی آکنده از بی اعتمادی، مواجه می‌باشد. ولی برعکس دو بار قبلی، این بار در زدایش بحران از پا در میانی قدرت‌های بیرونی و نقش آفرینی رئیس‌جمهور اسبق، نیز امیدی نیست.

در بن بست حاکم، از رهبری حکومت وحدت ملی انتظار برده نمی شود که اوضاع نامطلوب فعلی را درک کرده و اقداماتی مبتنی بر صلاح عمومی و خیر همه گانی کنند؛ وظیفه جلوگیری از بحران به دوش نخبه گان سیاسی افغانستان قرار می‌گیرد. نخبه گان سیاسی در صورتی می‌توانند از بحران احتمالی جلوگیری کنند که پیش از فرارسیدن انتخابات، بر محور وفاق ملی گرد هم آیند و روی یک پلاتفورم سیاسی با پایه های وسیع و آجدای مشترک ملی به توافق برسند. وفاق ملی و ایجاد تیم سر تا سری امری ضروری و حیاتی است؛ ولی تحقق آن ایجاب وسعت نظر، آینده نگری و تسامح سیاسی را می‌نماید. بزرگان سیاسی کشور تا به راه حل‌های نو و نا آزموده نیاندیشند و تا بیرون از دایره‌های آشنا به یارگیری سیاسی نپردازند، نخواهند توانست انتخابات پیش رو را از چلنج بزرگ به فرصت بزرگ بدل کنند.

خوشبختانه اکثریت نخبه گان سیاسی اوضاع پیچیده کنونی را درک می‌کنند و در صدد راه وچاره هستند. در روزهای اخیر دیده می‌شود که شخصیت ها و جریان های سیاسی کشور با نوعی از مسولیت پذیری سیاسی که کم تر در گذشته دیده شده، سرگرم گفت وگو و رای زنی بر سر عبور از بن بست فعلی و احیای اجماع سیاسی هستند. توقع می رود که در نتیجه این رای زنی‌ها، روحیه بلند سیاسی و فراقومی در سطح کشور تقویت شود و نخبه گان سیاسی بر سر تشکیل یک تیم همه جانبه سیاسی و ملی و کاندیدای واحد برای انتخابات ریاست‌جمهوری

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

به توافق برسند. در صورت تشکیل یک تیم فراگیر ملی و سیاسی و انتخاب یک چهره خلاق، دلسوز و وطن دوست به عنوان نامزد مشترک انتخاباتی، نخبه‌های کشور می‌توانند گفتمان حاکم سیاسی را از حالت انفعالی و هویت محور به یک بحث برنامه محور ارتقاء دهند تا این‌که به چلنج‌های روز افزون افغانستان در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پاسخ ارایه شود.

در بعد داخلی، جلوگیری از بحران احتمالی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۸، قدمی بزرگی در زمینه برپایی یک نظام و حکومت عدالت محور و باورمند به وحدت ملی و صلح پایدار و عادلانه خواهد بود. تنها چنین حکومتی می‌تواند به تدوین پالیسی‌های کلان کشوری مبادرت ورزد و در راستای متحول سازی اقتصاد کشور، بازسازی و نوسازی زیربناها و انکشاف متوازن گام بردارد. هم چنان، تنها یک حکومت فراگیر ملی می‌تواند مشروعیت مذاکره با مخالفان مسلح از موضع قدرت را داشته باشد و از دست آوردهای مردم به خصوص حقوق زنان، آزادی‌های مدنی و اجتماعی، رسانه‌های دموکراتیک و دیگر مؤلفه‌های مردم سالاری پاسداری و حراست کند.

در بعد منطقه‌ای، لازم است تا اجماع از میان رفته منطقه‌ای دوباره احیا شود و از این اجماع در راستای مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تنش زدایی و ارتقای هم گرایی منطقه‌ای بهره برداری صورت گیرد. فراموش نکنیم که فقط یک تیم با ظرفیت و صاحب دیدگاه افغانستان شمول، توانایی تفهیم این نکته را که منافع کشورهای منطقه در گرو صلح و ثبات، آرامش و توسعه افغانستان است، دارا خواهد بود.

و بالاخره در بعد فرامنطقه‌ای و جهانی، تشکیل حکومتی با قاعده وسیع، درک بهتری از نیازمندی‌های افغانستان داشته و به همکاری دوام دار و قانونمند با جامعه بین‌المللی به شمول ایالات متحده امریکا، پایبند خواهد ماند. پیدایش چنین تیمی، تداوم همکاری و حمایت جهان در زمینه مبارزه با تروریسم و بازسازی، نهاد های امنیتی را تضمین خواهد کرد و باعث احیای اقتصاد ورشکسته افغانستان خواهد شد.

من با توجه به تجربه هفده سال کار سیاسی و حکومت داری و تعامل و تماس نزدیک با اکثریت جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی کشور، به این باورم که امروز نخبه‌های کشور با چلنجی بی سابقه رو به رو اند. افغانستان در انتخابات پیش رو به یک بدیل منطقی و آینده گر نیاز دارد که ایجاد آن فقط با تمسک به اصل وحدت ملی امکان پذیر می‌باشد. فقط چنین تیمی می‌تواند کشور را از بن بست و نظام را از فروپاشی احتمالی، نجات بدهد.

با تشکر از روزنامه هشت صبح